

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من میباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن میباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی  
برلین - ۱۱ اپریل ۲۰۱۷

## حکایتی بر سبیل شکایت از "املای دری"

### و شرحی در باب کلمات

### تَغْيِيرٌ - تَغْيِيرٌ وَ تَعْيِينٌ - تَعْيِينٌ

(قسمت اول)

در شرح اعرابگذاری کلمات بالا، حتی اضافه تر از حدّ معین و لازم کار شد، تا عزیزانی، که در خمیر موی می‌پالند، موئی از کمبود نیابند. این نکته بیشتر متوجه حرف آخر کلمات است، که در زبان دری همیشه ساکن است؛ به خلاف زبان عربی، که حروف متحرک آخر، جزئی از صرف و تصریف و گردان کردن افعال و ضمائر آن شمرده می‌شود.

گرچه در زمینه شرح صرفی این کلمات در سابق باربار و با تفصیل مختلف و متناسب موضوع، نگاشته ام، که همه در آرشیف نویسنده و آرشیف موضوعات "ادبی - فرهنگی" قابل دسترس اند، مگر اینک، که مسأله بار دگر گل کرده است، تشریحات ذیل را تقدیم می‌نمایم:

قسمی، که می‌دانیم و باید بدانیم، ساخت کلمات در هر زبانی در حیطة تسلط "صرف" همان زبان است. در مبحث حاضر نیز، که کلمات عربی مطرح اند، از "صرف عربی" استمداد می‌کنیم. اما پیش از آن، باید متوجه بود، که در هنگام تحریر و در وقت نوشتن، مُراعات نکاتی چند ضروری و حتمی ست؛ از جمله:

۱ - داشتن شناخت لازم از زبان مورد استفاده و داشتن حدّ اقل معلومات از خواصّ دستوری کلمات آن.

۲ - داشتن انضباط در نوشتن و داشتن دقت و توجه و دلسوزی و وفاداری و ... به سراپای آنچه می‌نویسیم.

۳ - داشتن پرنسیپ املائی متقن و مطمئن و پایبندی عام و تام از آن.

۴ - داشتن اطمینان از صحت املائی کلمات و ترک تذبذب و "به مه چی گری" در مورد استعمال کلمات.

۵ - استعمال کردن کلماتی، که از شناخت آنها مطمئن هستیم و پرهیز و دوری جُستن از استفاده کلمات و عباراتی، که از صحت و سلامت آنها یقین نداریم. مثلاً:

- ترکیب "جَلَّ جلاله" (بزرگ است عظمت او) (خداوند)) را بعضاً "جَلَّ و جلاله" می نویسند، که غلط است.

- "الحمد لله" را بعض کسان "الحمد و الله" و "الحمد الله" نویسند، که غلط محض است.

- "الله اعلم" (خدا داناتر یا داناترین است) را به شکل "الله و اعلم" نویسند، که غلط است.

- "أنا لله و أنا الیه راجعون" (آیه قرآنی) را نیز بعضاً "انا الله و انا الیه راجعون" نویسند، که غلط است.

- "إن شاء الله" (اگر خدا خواست - یک جمله کامل شرطیه عربی) را بسا کسان یکجای نویسند، که کاملاً غلط است - "إن" در عربی در معنای "اگر" است و "شاء" فعل ماضی مطلق و "الله" فاعل جمله.

- "نورٌ علی نور" ("نوری ست بالای نور" یا "نوری ست، که بالای نور است") را در هیئت "نور الله نور" نویسند، که از اغلاط مضحک است!!!

۶ - باز هم داشتن شناخت دقیق از کلمات مورد استفاده و بالخاصه وقتی کلمات عربی را وارد میدان معرکه می‌سازیم، و به ندرت جمله ای را در زبان دری می‌یابیم، که ضمن آن از کلمات عربی استفاده نشده باشد. از بهر مثال:

- وقتی کلمه عربی "استمداد" را در جمله ای استعمال می‌کنیم، باید خواص اصلی مصادرِ باب "استفعال" را بدانیم، چون کلمه "استمداد" از باب "استفعال" است و در ذات این نوع مصادر، کلمات "خواستن، جُستن، طلب کردن، و امثال آنها" نهفته است. و اگر مشخصتر بگوئیم، مصدر "استمداد" از نگاه صرفی در معنای "مدد خواستن، مدد جُستن، کمک طلبیدن" است، ازین خاطر استعمال آن با مصدری چون "جُستن و خواستن و طلب کردن و امثالهم" منطقاً غلط است!!! مصدر "استمداد" را فقط می‌توان با "کردن" و "نمودن" گردان کرد!!!

- و باز از بهر مثال، کلمات "افضل و اعظم و اکثر و اغلب و احسن و اسبق و اعلی(اعلا) و ادنی(ادنا) و اولی(اولا)" صفات تفضیلی عربی اند و وارد کردن علامات تفضیل دری (تر و ترین) را منطقاً نمی‌توانند قبول کنند!!! پس "اولاترو ادناتر و اعلاتر و اعلاترین" خلاف جواز دستوری "عربی - دری" ست.

- و باز بر سیل مثال باید دانست، که بین "فاعل" و "صفت مشبیه" عربی فرق بارزی وجود دارد و مثلاً "عالم" را نمی‌توان به جای "علیم" استعمال کرد؛ یا "حامد" را در عوض "حمید" و "قادر" را به عوض "قدیر" و "حاکم" را به جای "حکیم" و "شاهد" را در عوض "شهید" و...!!!

و صدها مورد دیگر.

۷ - اهل "زبان دری" باید مزاج و طبیعت زبان خود را بدانند، و بدانند، که مثلاً:

- "معدود" در زبان دری همیشه "مفرد" است، عدد هرچه می‌خواهد باشد؛ یعنی هم "یک معلم" می‌گوئیم و هم "ده معلم" و "صد کارگر" و "هزاران مظاهره چی" و "ملیونها حیوان" و "دو سه چار مورد" و "چند دانه تخم" و ...؛ و نه این، که بگوئیم: "ده معلمان"، "صد کارگراها"، "هزاران مظاهره چیان" و "ملیونها

حیوانات" و "دو سه چار موارد"، "چند دانه های تخم" و "چند دانه تخمها" و ...؛ چنان، که در پشتو و عربی و بلوچی و کُردی و انگریزی و المانی و فرانسوی و اسپانیایی و روسی و بسا زبانهای دیگر عالم رائج است!!!

– وقتی کلمات مقایسه از قبیل "بیشتر" یا "کمتر" را استعمال می کنیم، باید آنها را با اعداد معین و مشخص مقایسه کنیم و نه این، که این مقایسه با اعداد مبهم صورت گیرد. از بهر مثال:

– اگر گوئیم "بیشتر از هزار نفر در مظاهره اشتراک کرده بودند" – درست است

– ولی اگر همین مثال را در عوض عدد معین "هزار"، با "هزاران" که نامعین است، مقایسه کنیم و بگوئیم،

"در مظاهره بیشتر از هزاران نفر اشتراک کرده بودند" – منطقاً غلط است. و قس علی هذا!!!

– عباراتی از قبیل "یکی از" را فقط در ارتباط با یک "جمع" می توان استعمال کرد. مثلاً اگر بگوئیم "یکی

از وجوه تمایز اصطلاحات دری با اصطلاحات فارسی ایران، چین و چنان است." این جمله درست است –

چون "وجوه" جمع است. و یا اگر جمله "او یکی از استادان بنام پوهنتون کابل بود." را مد نظر بگیرم، هم

جمله ای ست معقول، زیرا یکی را از جمع "استادان" برگرفته ایم. ولی اگر در عوض "جمع" از کلمه

"مفرد" کار گرفته شود، عین جملات غلط می شوند؛ یعنی اگر بگوئیم:

"یکی از وجه تمایز اصطلاحات دری با اصطلاحات فارسی ایران، چین و چنان است." – غلط است!!!

– "او یکی از استاد بنام پوهنتون کابل بود." – نیز غلط است!!!

۸ – تمییز کردن "های ملفوظ" و "های غیر ملفوظ" بر کلمات و بالخاصه بر آخر کلمات و مراعات آنها در

هنگام ترکیب با کلمات دیگر و در هنگام اضافه کردن کلمات مختوم به این دو "هـ".

۹ – تشخیص کردن اقسام "ی" – نه از نگاه معروف و مجهول بودن – بلکه از نگاه داشتن وجوه "وحدت"،

"تکره"، "معرفه"، "مصدری"، "نسبت" و "وصفی".

۱۰ – یک نویسنده دری زبان باید فرق "هست و است" را بداند و فرق "باید و بایست" را و "حال و ماضی"

و "لازم و متعدی" و "صفت و قید" و "اسم و ضمیر" و "فاعل و مفعول" و ... را!!!

۱۱ – داشتن انضباط در مراعات دقیق فاصله ها بین کلمات مستقل از هم و فاصله هائی، که به اثر تایپ مدرن

کمپیوتری اینک وارد املائی کلمات مرکب باهم، گردیده است. افرادی از قبیل "هاشمیان"، که از بی پروائی

و از سر سبکسری و بی بند و باری فاصله ها را مد نظر نمی گیرند، نه تنها به خود بلکه به زبان خود و به

ناموس تحریر و نوشتن و املاء و انشاء ظلم و ستم و جفاء روا می دارند!!!

و ...

تمام نکات متذکره بالا و بسا نکات دیگر، که ذکر همه را غیر ضروری و غیر قابل احصاء می پندارم،

اجزای لازم و لایجزای "املاء و انشای دری" ست و کسانی، که می خواهند چیزی بنویسند، این اصول

سامی را باید به هم رسانند؛ ورنه نوشته هایشان در سطح نوشته های "هاشمیان"، نازل و مشبوع و مشحون

از اغلاط باقی خواهد ماند؛

و خدا نگه دارد و نجات دهد، از سقوط "هاشمیانی"!!!

ویراستاران پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان"، که با دلسوزی تمام، مدام خون دل می‌خورند و مطالب وارده را در حد اعلای دقت قابل نشر می‌سازند، التفات نویسندگان و شاعران و دیگر همکاران عزیز خود را در عرصه تحریر و زبان مکتوب، روزمره تول و ترازو می‌کنند و خدا از دلک شان خبر دارد، که درین عرصه چه و چها می‌کشند!!! ویراستاران پورتال مگر متوجه توجه همکاران خود درین زمینه نیز هستند و دقیقاً می‌دانند، که کدام یک از همکاران گرامی مراتب املائی و مراتب ویراستاری شده را با چه التفاتی در نوشته های شان مد نظر می‌گیرند. درین میان اما همکاران عزیز را نیز داریم، که نوشته ها و مطالب خود را بعد از ویراستاری در پورتال دقیقاً نمی‌خوانند و همان اغلاط تیپیک و مکرر در مکرر خود را با وجودی، که باربار در پورتال اصلاح شده اند، تکرار کرده راهی هستند!!!

ویراستاران پورتال افراد متواضع و شکسته نفسی هستند، که مسؤولیت و تعهد در کار را درک کرده اند؛ و بدون این، که از کسی توقع پاداش و شادباش و آفرین گفتن را داشته باشند، سرخم کار خود را می‌کنند و وجدان خود را آرام نگه می‌دارند. مگر اگر موضوع تقدیر و پاداش به میان آید، برای آنها بهترین پاداش نتیجه و ثمره کارشان است؛ یعنی وقتی ببینند، که کار و اهتمام و سعی بلیغ ایشان، مثمر ثمری گشته و هرج و مرج نافذ در زبان مکتوب دری را، سد ساخته است!!!

بعد ازین همه درد دل و حکایت و شکایت، برویم و کلمات عنوان مقاله را بررسی کنیم؛ اما در بخش بعدی!!!

تا

"همو سات و همو مصلحات!!!"